

بسم الله الرحمن الرحيم

نکات کلیدی و تفسیری جزء بیست و یکم قرآن کریم



**هدایتی که نصیب هر
کس نمی شود**

و الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ
سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ
الْمُحْسِنِينَ (۶۹- عنکبوت)

کسانی که در راه ما جهاد
کنند ما آنها را به طرق
خویش هدایت می کنیم، و
خداوند با نیکوکاران است.

«مجاهدة» یعنی به کار بردن آخرین حد وسع و قدرت در دفع دشمن که بر سه قسم است: جهاد با دشمن ظاهری، جهاد با شیطان و جهاد با نفس. (۱) «جَاهِدُوا فِينَا؛ جهادشان همواره در راه ماست» کنایه از این است که جهادشان چه در راه عقیده و چه در راه عمل در اموری است که متعلق به خداوند متعال است.

«سُبُلَنَا؛ راه های خدا» عبارت است از راه هایی که آدمی را به سوی او هدایت و به او نزدیک می کند؛ چون به عنوان مثال وقتی می گویند این راه سعادت است، معنایش این است که: این راه به سعادت ختم می شود. (۲)

نکته قابل توجه اینکه هدایتی که در آیه آمده است از جنس هدایت ابتدایی که همه انسانها از آن برخوردارند نیست. هدایت ابتدایی همان نشان دادن راه در ابتدای کار است که این هدایت ابتدایی با فرستادن پیامبران و بیان احکام الهی در مورد تمام انسانها محقق می شود. از این مرحله به بعد کسانی که طبق آن برنامه های عمل کردند و قدری در مسیر خدا حرکت کردند هدایت ویژه الهی شامل حال آنها می شود که این می شود هدایت مضاعف (۳). مؤید این تفسیر اشاره به معیت یا همان همراهی اختصاصی (۴) است که در جمله بعد آمده است.

گناه بی توبه رفته رفته سر از کفر درمی آورد.

برای نمونه اگر سالهای قبل روزه نمی گرفت و گناهکار بود چون توبه نکرد و این گناهان در او انباشته شد حرف امسال او این است که: «ای بابا چه دینی چه روزه ای دلت پاک باشه!» بی تردید اگر کسی این سخن را بگوید و به آن باور داشته باشد کافر است؛ کفری که محصول تجمع گناهانی به ظاهر ساده است

عاقبت گنهکاری که توبه نکند

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَوْا السُّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ (۱۰- روم)

سرانجام کسانی که اعمال بد انجام دادند بجایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند، و از آن بدتر به استهزاء و مسخره کردن آن برخاستند.

این آیه هشداری است به کسانی که بعد از لغزش و گناه به مسیر حق بر نگشته و توبه نمی کنند. کسانی که با توبه بعد از گناه، جانشان را شستشو نمی دهند در اثر تراکم گناه بر جانشان کم کم به مرحله ای می رسند که امیدی به بازگشتشان نیست و آن زمانی است که کارشان از کذب به تکذیب برسد. اینان کسانی اند که تا دیروز برخلاف دستور دین عمل می کردند و امروز منکر اصل دین اند.

گناه مانند جذام به مرور روح ایمان را می خورد و آن را از بین می برد تا کار به جایی می رسد که سر از تکذیب آیات الهی در می آورد؛ از آن هم فراتر رفته و او را به تمسخر پیامبران و آیات الهی وامی دارد. به این مرحله که رسید دیگر هیچ اندرز و اندازی در او مؤثر نیست و جز تازیانه عذاب الهی، راهی باقی نمی ماند

حقیقت این است که گناه بی توبه رفته رفته سر از کفر درمی آورد. برای نمونه اگر سالهای قبل روزه نمی گرفت و گناهکار بود چون توبه نکرد و این گناهان در او انباشته شد حرف امسال او این است که: «ای بابا چه دینی چه روزه ای دلت پاک باشه!» بی تردید اگر کسی این سخن را بگوید و به آن باور داشته باشد کافر است؛ کفری که محصول تجمع گناهانی به ظاهر ساده است.

آری گناه مانند جذام به مرور روح ایمان را می خورد و آن را از بین می برد تا کار به جایی می رسد که سر از تکذیب آیات الهی در می آورد؛ از آن هم فراتر رفته و او را به تمسخر پیامبران و آیات الهی وامی دارد. به این مرحله که رسید دیگر هیچ اندرز و اندازی در او مؤثر نیست و جز تازیانه عذاب الهی، راهی باقی نمی ماند. (۵۰)

هدایت ابتدایی همان نشان دادن راه در ابتدای کار است که این هدایت ابتدایی با فرستادن پیامبران و بیان احکام الهی در مورد تمام انسانها محقق می شود. از این مرحله به بعد کسانی که طبق آن برنامه های عمل کردند و قدری در مسیر خدا حرکت کردند هدایت ویژه الهی شامل حال آنها می شود که این می شود هدایت مضاعف (۳). مؤید این تفسیر اشاره به معیت یا همان همراهی اختصاصی (۴) است که در جمله بعد آمده است

سیل و زلزله ای که ما می سازیم

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۱- روم)

به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی در خشکی و دریا نمودار شد تا خداوند کیفر برخی از آنچه را که انجام داده‌اند به آنان بچشانند؛ شاید از گناه و طغیان برگردند.

مراد از فساد در زمین، مصایب و بلاهایی عمومی است که منطقه ای را فرا گرفته و مردم را نابود می‌کند؛ مانند زلزله، قحطی، بیماریهای واگیردار، جنگها و غارتها؛ خلاصه هر بلایی که نظام آراسته و صالح جاری در عالم را بر هم زند و زندگی خوش انسانها را از بین ببرد. آیه شریفه می‌فرماید: این فساد ظاهر در زمین، بر اثر اعمال مردم است؛ یعنی به خاطر شرکی است که می‌ورزند، و گناهایی است که می‌کنند (۶).

از روایات اسلامی استفاده می‌شود که آثار شوم بسیاری از گناهان، حداقل از نظر طبیعی شناخته شده نیست؛ مثلاً در روایات آمده است: قطع رحم، عمر را کوتاه و خوردن مال حرام، قلب را تاریک و زنا سبب کوتاهی عمر و کمی روزی می‌شود چند نکته:

۱. این آیه مخصوص به یک زمان و یا به یک مکان و یا به یک واقعه خاص نیست (۷) در نتیجه مراد از «الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» همان معنای معروف است که همه روی زمین را در بر می‌گیرد.

۲. این آیه ناظر به پیامد دنیوی گناهان و چشاندن اثر بعضی از آنها (نه همه آنها) در دنیا است و نسبت به عذاب و پیامدهای اخروی گناهان ساکت است.

۳. اینکه فرمود: «بَعْضُ الَّذِي عَمِلُوا؛ بعض اعمالشان را» به این جهت است که خداوند متعال از بیشتر گناهان آنها صرف نظر کرد و فرمود: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ». (۸)

۴. هر کار نادرست چه در مقیاس محدود و چه گسترده، عکس العمل نامطلوبی دارد مانند اینکه دروغ، سلب اعتماد می‌کند و خیانت در امانت، روابط اجتماعی را بر هم می‌زند و این همان رابطه گناه و فساد است که این آیه به آن اشاره دارد (۹).

۵. از روایات اسلامی استفاده می‌شود که آثار شوم بسیاری از گناهان، حداقل از نظر طبیعی شناخته شده نیست؛ مثلاً در روایات آمده است: قطع رحم، عمر را کوتاه و خوردن مال حرام، قلب را تاریک و زنا سبب کوتاهی عمر و کمی روزی می‌شود (۱۰).

قرآن کریم غیر از حیات و مرگ بدنی و همچنین شنوایی و بینایی ظاهری، نوع دیگری از حیات و مرگ، دید و شنود را مطرح می‌کند که هم فراتر از نوع مادی و ظاهری آن است و هم سعادت یا بدبختی انسان به آن بستگی دارد

عده ای که امیدی به هدایتشان نیست

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَى عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ (۵۳- روم)

و تو نمی‌توانی کوردلان را از گمراهی‌شان نجات دهی. فقط کسانی سخن تو را می‌شنوند که ایمان به آیات ما آورده و در برابر حق تسلیم‌اند.

قرآن کریم غیر از حیات و مرگ بدنی و همچنین شنوایی و بینایی ظاهری، نوع دیگری از حیات و مرگ، دید و شنود را مطرح می‌کند که هم فراتر از نوع مادی و ظاهری آن است و هم سعادت یا بدبختی انسان به آن بستگی دارد.

در فرهنگ قرآن، سعادت انسان در گرو ایمان و عمل صالحی است که انسان بر اساس دستورات وحی و فطرت انجام می‌دهد. (۱۱) دریافت آموزه های وحیانی از فرستادگان الهی هم تنها در صورتی ممکن است که دریافت کننده صاحب گوش درونی شنوا و روح ایمانی زنده باشد و اگر کسی در اثر گناه و پلیدی گوش باطنش کر شد و روح ایمانش مُرد (۱۲)؛ دیگر امیدی به هدایت او توسط فرستادگان حق نخواهد بود؛ هر چند هدایتگری مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله بخواهد او را هدایت کند؛ چون او ابزار لازم برای سعادت را به سوء اختیار خود از دست داده است؛ بنابراین امکان هدایت او دیگر وجود ندارد.

اطاعت از پدر و مادر تا جایی رواست که نافرمانی خدا نشود. پس اگر پدر یا مادری انسان را امر به ترک واجب یا انجام معصیتی کردند انسان حق ندارد و نباید به حرف آنها گوش دهد

در مقابل کسانی که روح تسلیم و ایمان در آنها زنده است و گوش و چشم دل به گناه کر و کور نکرده اند در برابر ندای وحی و فطرت تسلیم اند و همین امر سبب سعادت و خیری عاقبت آنها می‌شود. بر این اساس خدا به پیامبرش توصیه می‌کند که این قدر مشغول این گونه افراد سست عنصر نشو و غم بی ایمانشان را مخور؛ اینها به آیات ما ایمان نمی‌آورند و در آنها تعقل نمی‌کنند؛ چون اینان مردگانی کر و کورند و تو نمی‌توانی چیزی به ایشان بفهمانی و هدایتشان کنی؛ تو تنها کسانی را می‌توانی هدایت کنی که به آیات ما ایمان داشته باشند؛ یعنی در این جهت‌ها تعقل کنند و تصدیق نمایند. (۱۳)

احترام همیشه؛ اما اطاعت تا مرز حرام

وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا (۱۵- لقمان)

و اگر پدر و مادر تلاش کردند تو چیزی را شریک من قرار دهی که از آن آگاهی نداری، از آنان اطاعت مکن ولی در دنیا رفتار شایسته ای با آنها داشته باش.

از این آیه دو دستور مهم درباره رفتار با والدین دیده می‌شود:

۱. اطاعت از پدر و مادر تا جایی رواست که نافرمانی خدا نشود. پس اگر پدر یا مادری انسان را امر به ترک واجب یا انجام معصیتی کردند انسان حق ندارد و نباید به حرف آنها گوش دهد.

۲. احترام به پدر و مادر زمان و مکان نمی شناسد. بر همه لازم و واجب است که در همه حال آنها را تکریم کند و احترام بگذارد حتی در آن لحظه ای که آنها او را به ترک واجب یا انجام معصیتی امر کرده اند و سر باز می زند هم نباید کم ترین بی احترامی نسبت به آنها کند). ۱۴

در این دنیا عذابهایی وجود دارد که به هنگام نزول آن، درهای توبه بسته می شود که به آن عذاب استیصال گفته می شود؛ یعنی مجازاتهایی که برای نابودی اقوام سرکش به هنگامی که هیچ وسیله بیداری در آنها مؤثر نگردد نازل می شود که این نوع عذابها از بحث این آیه خارج است

یکی از دلایل عذاب در دنیا

وَلَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۱- سجده)

و بی تردید آنان را از عذاب نزدیک تر [در دنیا] که غیر از عذاب بزرگ تر [در قیامت] است می چشانیم، باشد که [از فسق و فجور دست برداشته و به سوی خدا] برگردند.

از این آیه به دست می آید که خداوند بندگان نافرمانش را قبل از وقوع قیامت به سختی و فشاری از قبیل قحطی و مرض و جنگ و خونریزی و امثال آن مبتلا می کند تا شاید به خود آیند و از شرک و لجبازی شان توبه نمایند و به سوی او برگردند). ۱۵.

البته باید به این نکته توجه داشت که در این دنیا عذابهایی وجود دارد که به هنگام نزول آن، درهای توبه بسته می شود که به آن عذاب استیصال گفته می شود؛ یعنی مجازاتهایی که برای نابودی اقوام سرکش به هنگامی که هیچ وسیله بیداری در آنها مؤثر نگردد نازل می شود که این نوع عذابها از بحث این آیه خارج است). ۱۶.

پی نوشت ها:

(۱) المفردات ص ۲۰۸

(۲) المیزان ج ۱۶ ص ۱۵۱

(۳) آیه ۷ سوره محمد صلی الله علیه و آله

(۴) المیزان ج ۱۶ ص ۱۵۲

(۵) ر.ک به نمونه ج ۱۶ ص ۳۷۴

(۶) علامه طباطبایی (ره) در آیه ۹۶/اعراف و نیز در مباحث نبوت جلد دوم المیزان، ثابت می کند که بین اعمال مردم و حوادث عالم رابطه مستقیم هست که هر یک متاثر از صلاح و فساد دیگری است.

(۷) به دلیل به ظاهر الفاظش که عام هستند. المیزان ج ۱۶ ص ۱۹۵

(۸) آنچه از مصائب به شما می‌رسد به خاطر کارهایی است که خودتان کردید و این در حالی است که خدا از بسیاری از گناهانتان گذشت می‌کند. ۳۰/شوری

(۹) تفسیر نمونه ج ۱۶ ص ۴۵۶

(۱۰) مانند این روایت که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: فِي الزَّانَا خَمْسُ خِصَالٍ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ يَنْقُصُ الْعُمَرَ وَ يُسَخِّطُ الرَّحْمَنَ وَ يُخَلَّدُ فِي النَّارِ ؛ زنا پنج ضرر دارد: آبرو را می‌برد؛ باعث فقر می‌شود؛ عمر را کوتاه می‌کند؛ خشم خداوند را بر می‌انگیزد و انسان را در جهنم جاودان می‌گرداند. کافی ج ۵ ص ۵۴۲

(۱۱) آیات ۷۱ سوره احزاب و ۹ سوره شمس

(۱۲) آیه ۳۵ سوره انعام

(۱۳) ر.ک به المیزان ج ۱۶ ص ۲۰۴

(۱۴) آیه ۲۳ سوره اسراء

(۱۵) المیزان ج ۱۶ ص ۲۶۴

(۱۶) ر.ک به نمونه ج ۱۷ ص ۱۵۹

پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام

پایگامعاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>